

چرا به رغم از بین رفتن صدها هزار شغل به‌واسطه شیوع ویروس کرونا، نرخ بیکاری در ایران کاهش یافته است؟

# معمای کاهش بیکاری

## در دوران کرونا

خلأهای قانونی و اهمال مسؤولان باعث شده هیچ‌کس حواسش به ساختمان‌های ناایمن شهرها نباشد

کسی ایمنی را جدی نمی‌گیرد

«فرهنگ ایمنی» در میانه این همه اخبار و حادثه روزانه، بیشتر به واژه لوکسی شبیه است که مشتریان را متهم به سرخوشی می‌کند. اگر همین حالا خانواده‌ای قصد آموزش این فرهنگ را به فرزند خود داشته باشد احتمالاً از سوی اطرافیانش محکوم است به خوش‌خیالی، این‌که در اوضاع کنونی و دغدغه معیشت و گرانی و تورم ما را چه به آموزش فرهنگ ایمنی، آنها که در این میان متهم به سرخوشی‌اند در اقلیت مطلق قرار دارند و آنها که متهم می‌کنند در اکثریت مطلق. همین تقسیم‌بندی در مسؤولان هم به شکل محسوسی وجود دارد...

گفت‌وگو با تهیه‌کننده، سردبیر و مجری برنامه صبحگاهی «چاپ اول» شبکه خبر

روزنامه‌ها را در چاپ اول بخوانید



سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگوی تفصیلی با جام‌جم:

از عملکرد فرهنگی دولت دفاع می‌کنم

گفت‌وگوی کافه میرداماد با دکتر مجتبی شکوری درباره شبکه‌های اجتماعی

مغزهای کوچک خسته



بررسی دلایل سقوط یک شبه معمر قذافی در نهمین سالگرد کشته شدن او به دست معترضان

سوختن در هیزم اعتماد



گفت‌وگو با مدیر کل آسیای غربی وزارت خارجه درباره مذاکرات صلح افغانستان

مهندسی اشتباه در دوحه



دیدگاه

صلح افغانستان از مسیر طالبان و آمریکا محقق نمی‌شود

صف‌بندی جدیدی میان حامیان طالبان و مخالفان طالبان که در راس آن دولت افغانستان است، به وجود بیاید. دولت افغانستان در بهترین حالت حاضر است طالبان را در دولت مشارکت دهد، اما طالبان می‌گوید طرف حساب ما ترامپ و دولت آمریکا است و ما می‌خواهیم امارت اسلامی را سامان دهیم، بنابراین با دو دنیای متضاد روبه‌رو هستیم. اگر همین روند ادامه یابد به شرایط دهه ۷۰ برمی‌گردیم که نتیجه آن شکل‌گیری جریانی از مهاجران به سمت مرزها خواهد بود و این اتفاق، نقطه پایان منازعات و اغتشاشات خواهد بود که روند فعلی در حال ایجاد آن است. مشکل اصلی در حال حاضر این است که منافع مردم افغانستان و مواضع دولت این کشور از سوی آمریکا و برخی کشورهای منطقه نادیده گرفته شده و منافع خودشان را اولویت داده‌اند. آمریکا نباید مستقیم با طالبان مذاکره می‌کرد و با این اقدام خود عملاً حضور خود در افغانستان را زیر سوال برد، زیرا با حمله آنها تحت عنوان مبارزه با تروریسم به افغانستان غلط است و این کشور به خاطر یک اشتباه، ۲۰ سال است که یک ملت را از روندهای طبیعی خودش دور کرده است. آمریکا یک تریلیون دلار برای سرکوب و ویرانی و کشتار مردم افغانستان هزینه کرده و اکنون باید پاسخگو باشند. اما حاضر به این کار نیست و اکنون نیز دولت اشرف غنی را دور زده و مستقیم با طالبان به مذاکره نشسته و اکنون طالبان به دلیل همین مذاکرات و توافق با آمریکا و خروج آمریکا از افغانستان، خود را پیروز معادلات افغانستان می‌دانند.

آمریکایی‌ها با این اقدامات در حال حاکم کردن تفکر طالبانی در منطقه هستند و این وضعیت، ماجرا را پیچیده کرده است. مهندسی‌ای که اتفاق افتاده یک مهندسی کاملاً غلط و اشتباه است و همین مهندسی غلط کار را به بن‌بست رسانده و اتفاقاتی در حال رخ دادن است که کل ژئوپلیتیک منطقه را متاثر خواهد کرد. در حال حاضر یک سوژه صوری و پوپولیستی به نام صلح وجود دارد، اما باید دانست صلح از مسیر طالبان و آمریکا اتفاق نخواهد افتاد. صلح در سایه اراده و تصمیم و انسجام ملت افغانستان اتفاق خواهد افتاد.

البته شاید عبدا... بتواند در سفرهای خود به یک راهکار منطقه‌ای برسد که این راهکار ختم به صلح شود. این راهکار و توافق باید با محوریت دولت و ملت افغانستان و مشارکت همه کشورهای منطقه باشد و منافع همه اقوام و طوایف افغانستان را در بر بگیرد. تجربه خوب ایران در گذشته که سند آن کنفرانس بن و مذاکرات بین‌الافغانی است نشان دهنده راهی است که مجدد باید در افغانستان اتفاق بیفتد بدون این‌که آقای ترامپ یا هر فرد دیگری بخواهد منافع فردی خود را به افغانستان تحمیل کند.

محور اصلی سفر آقای عبدا... عبدا... رئیس شورای عالی مصالحه به تهران، مذاکره درباره روند صلحی است که در قطر جریان دارد. روند مذاکرات صلح بیش از یک ماه است با بن‌بست مواجه شده و طالبان از اهرم ناامن‌سازی و ابزار نظامی علیه دولت استفاده می‌کند و اکنون جنگ در منطقه هلمند ادامه دارد. اگر این مذاکرات کاملاً به بن‌بست برسد با توجه به این‌که آمریکایی‌ها نیز در حال ترک افغانستان هستند، قطعاً شاهد پیامدهای زیادی در صحنه این کشور خواهیم بود که محیط پیرامونی و کشورهای همسایه را نیز متاثر خواهد کرد. یکی از دلایل اصلی که مذاکرات صلح، امروز به بن‌بست خورده این است که طرف اصلی، یعنی دولت و ملت افغانستان، در مهندسی مذاکرات حضور ندارند و مساله صرفاً بین طالبان و آمریکاست. دلیل ایجاد بن‌بست در مذاکرات این است که طالبان هرگونه مبنا برای توافق با دولت افغانستان را توافق‌نامه دوحه (یعنی توافق با آمریکایی‌ها) می‌داند و می‌گوید اگر آمریکایی‌ها در آینده از توافق دوحه عدول کنند آنها نیز هیچ پایبندی به تعهدات‌شان در توافق دوحه نخواهند داشت. شرایط فعلی بسیار حساس است و اگرچه نام آن را صلح گذاشته‌اند، اما به نظر می‌رسد دور جدیدی از بحران افغانستان در حال شکل‌گیری است به خصوص این‌که آمریکایی‌ها بدون این‌که به تعهدات خود عمل کرده باشند سراسیمه در حال ترک صحنه افغانستان هستند.

آقای عبدا... بعد از این‌که مذاکرات به بن‌بست رسید راه رابینز با کشورهای پیرامونی را در پیش گرفت و در این مذاکرات ضمن تشریح دلایل بن‌بست در مذاکرات، پیامدهای فروپاشی این روند را توضیح می‌دهد. زیرا اگر مذاکرات کاملاً شکست بخورد و آمریکایی‌ها نیز سراسیمه افغانستان را ترک کنند، دور جدیدی از بحران به وجود می‌آید و منطقه با سلی از مهاجران و گرفتاری‌های متعدد مواجه خواهد شد و حکومت افغانستان ناچار است دست‌یاری به سوی همسایگان دراز کند. در حال حاضر بیش از ۶۰ درصد کشور افغانستان در کنترل طالبان است که این اتفاق، محصول نهایی کار آمریکایی‌ها در منطقه است و آقای عبدا... چاره‌ای جز رابینز با همسایگان ندارد. زیرا ایران، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان کشورهایی هستند که نمی‌توان آنها را از افغانستان جدا دانست و هر اتفاقی در هریک از این کشورها بیفتد، سایر همسایگان را متاثر می‌کند و در هم تنیدگی ژئوپلیتیکی است که باعث شده کشورهای نسبت به هم بی‌تفاوت نباشند. اولین تأثیرات منطقه‌ای تحولات افغانستان می‌تواند این باشد که افغانستان و منطقه، طالبانیزه شود. مردم افغانستان حاضر نیستند به شرایط گذشته طالبان برگردند و این وضعیت موجب خواهد شد



ابوالفضل ظهروند  
سفیر پیشین ایران در افغانستان

پرچم افراشته بر جنازه‌ها

آسمان، خاکستری است. زمین، یک دشت وسیع است پر از خانه‌های مخروبه و خرابه‌های سیمان و بتون و آجری که روزی دیوارهای خانه‌هایی بودند. خرابه‌ها جابه‌جا روی دشت بالا آمده‌اند. پسر بچه روی بلندترین خرابه ایستاده است و به افق نگاه می‌کند. افق... به تعریف فرهنگ‌نامه‌ها، جایی است که مرز چپ‌ری باشد. مرز زمین و آسمان. مرز دریا و خشکی. مرز خوبی و بدی. «ما نشانه‌هایمان را در افاق‌ها و در درون خود انسان‌ها به آنها نشان می‌دهیم...» پسر بچه به افق چشم دوخته است، نشانه‌ای جز ویرانی نیست. جابه‌جا از ویرانه‌های شهر، دود سیاه به آسمان می‌رود و باغ‌های زیتون سیاه شده‌اند. شاید زیتون سیاه از دل باغ‌های سوخته برمی‌آید. خورشید، لبه باریک بین دود و خاکستر هوا و سیاهی زمین را رد خون پاشیده. معلوم نیست طلوع می‌کند یا غروب. دشت ساکت است. انگار فردای قیامت... صدای یک رادیوی قدیمی از لابه‌لای مخروبه‌ها به گوش می‌رسد که مردی در آن شعر می‌خواند.

«نفت مال توست! عصاره‌اش را در مقدم دوستانت بگیر... قدس را فروختی... خدا را فروختی... خاکستر مرده‌ها را در فروختی... انگار که نظامیان اسرائیل شقیقه‌ات را نشانه نرفته‌اند...» خانه‌هایمان را خراب نکرده‌اند... کتاب‌هایمان را نسوزانده‌اند... انگار نه انگار که پرچم‌شان بر جنازه‌های مردگان تو بالا رفته است...»

آسمان آبی است. زمین پاکیزه است. شهر آماده میزبانی از هواپیمای اسرائیلی شده. شیخ از شیشه برج مراقبت نگاه می‌کند و نگران است روی سفیدی دشت‌اش لک نیفتد. گریزنده رادیویی برج مراقبت، پیام خلبان اسرائیلی را برای فرود دریافت می‌کند. گریزنده رادیویی برج مراقبت، امواج سرگردان یک رادیوی قدیمی را نمی‌گیرد:

«کی می‌فهمی؟... ای شتر لگام کسپیخته صحرا... کی می‌فهمی؟... که تو مرا با مقام و امارت هایت بی‌حس نخواهی کرد... که تو دنیا را با نفت و امتیاز هایت صاحب نخواهی شد... کی می‌فهمی؟... قدس در خون خود شنا می‌کند... و تو در مستی هایت... انگار که این مصیبت، از مناصب تو نیست... کی انسان، در سینه‌ات بیدار می‌شود؟» هواپیمای اسرائیلی که از فرودگاه تل‌آویو بلند شده بر باند فرودگاه منامه بحرین به زمین می‌نشیند. شیخ از برج مراقبت پایین می‌رود و حواسش به لکه‌های خون و خاکستر روی دشت‌اش نیست. برج مراقبت، امواج رادیوی قدیمی بین خرابه‌ها را دریافت نمی‌کند. اما مردم بحرین به پشتی‌های خلیجی تکیه داده‌اند، قهوه می‌نوشند و موسیقی گوش می‌کنند: «قدس در خون خود شنا می‌کند... و تو در مستی هایت...» پی‌نوشت: اشعار داخل پرازنر، ترجمه بخش‌هایی از قصیده «الحب و البترول» نزار قبانی است.



علیرضا رافتی  
روزنامه‌نگار

یادداشت

مراکز درمانی در ICU

در سراسر دنیا استانداردهای ایمنی مشخصی برای مراکز جمعی گوناگون تعریف شده و در کشور ما نیز قانون معینی درباره لزوم رعایت استانداردهای ایمنی در تمام ساختمان‌هایی که بیش از ۲۵ نفر از آن بهره‌برداری می‌کنند تصویب شده است که براساس این قانون همه این ساختمان‌ها ملزم به رعایت استانداردهای بین‌المللی ICS هستند. این استانداردها نیز به سه بخش اصلی تقسیم می‌شوند که بخش اول شامل ایمن بودن اسکلت و بنای ساختمان، بخش دوم مربوط به ایمنی فضاهای داخلی شامل راهروها، پنجره‌ها و حتی وسایل استفاده‌شده داخل ساختمان مثل گاز و یخچال و بخش سوم نیز شامل استانداردهای مربوط به مدیریت ساختمان است؛ یعنی همه تجهیزات ایمنی لازم برای مقابله با حوادث طبیعی و غیرطبیعی باید در ساختمان وجود داشته باشد و همه افراد حاضر در محل نیز حتی الامکان برای مقابله با این حوادث باید آموزش دیده باشند.

اما با این‌که در کشور ما براساس قانون باید تمام استانداردهای ایمنی در محل‌های تجمع شهروندان به‌ویژه مراکز درمانی رعایت شود، اما در عمل شاهد آن هستیم که این قوانین اجرایی نمی‌شود و مراکز جمعی مختلفی در تهران یا دیگر کلانشهرهای ایران فاقد استانداردهای ایمنی هستند و متأسفانه حتی در ساخت محل‌های جمعی جدیدتر از جمله مراکز درمانی تازه نیز معمولاً این استانداردها رعایت نمی‌شود. براساس بررسی‌های میدانی از مراکز درمانی در حال احداث در پایتخت می‌توان گفت با این‌که مسؤولان بعضی از این مراکز به دنبال رعایت استانداردهای ایمنی هستند، اما چون نسبت به این استانداردها آگاهی ندارند، نمی‌توانند آن را به درستی رعایت کنند. این مساله نشان می‌دهد ارائه آموزش‌ها و آگاهی‌رسانی کافی نسبت به استانداردهای اصلی‌ترین گمشده حوزه ایمنی در کشور ماست.

قطعاً بخشی از مشکل ایمن نبودن ساختمان‌ها به خصوص مراکز جمعی مختلف در کشور، فقدان نظارت‌های جدی در حین ساخت و صدور پروانه و مجوزهای مختلف و بازدیدهای دوره‌ای از ساختمان‌هاست. یعنی نهادی از جمله سازمان نظام مهندسی ساختمان، شهرداری تهران، سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی، وزارت بهداشت و درمان و سازمان بازرسی کل کشور که موظف به نظارت بر فرآیند ساخت و نگهداری از مراکز درمانی گوناگون هستند، با وجود همه تلاش‌ها تاکنون نتوانسته‌اند نظارت مطلوبی را بر رعایت استانداردهای ایمنی در مراکز جمعی مختلف از جمله بیمارستان‌ها داشته باشند. چراکه متأسفانه بخشی از پیمانکاران که مسؤول ساخت این مراکز هستند، ناظران دستگاه‌های مذکور را فریب می‌دهند یا در برخی موارد ناظران ساختمان‌ها اجرای مسؤولیت محوله را جدی نمی‌گیرند. البته در برخی از این نهادها نیز راه برای دریافت رشوه از سوی شخص ناظر باز گذاشته شده است و همین مساله احتمال بروز فساد را در میان ناظران بالا می‌برد.

این اتفاقات نشان می‌دهد علاوه بر نبود آگاهی کافی نسبت به استانداردهای لازم برای ساخت مراکز درمانی، مسؤولیت‌پذیر نبودن سازندگان این ساختمان‌ها و ناظران آنها به همراه جدی گرفته‌نشدن موضوع از سوی سازمان‌های نظارتی موجب نایمن بودن بسیاری از این مراکز در کشورمان شده است و تا زمانی که این مسائل وجود داشته باشد، مشکل بیمارستان‌ها و دیگر ساختمان‌های ناایمن در کشورمان نیز برطرف نخواهد شد و گویی بازهم باید حادثه دیگری مانند آنچه در پلاسکو یا کلینیک سینای تهران رخ داد بازهم تکرار شود تا شاید مسؤولان، ناظران و پیمانکاران ساختمانی کمی بیدار شوند.

مزایده فروش املاک تملیکی و مازاد بر نیاز بانک سپه واقع در سمنان

به شماره ۴۱۳/۹۹/۶ (نوبت اول) شرح در صفحه ۷

ضمیمه رایگان امروز

نیازمندی استانی قم، اصفهان و البرز